

۴

نگارش : روح اله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

آلات موسیقی هند - سازهای هند تنوع بسیار دارد و همه بنحویه
 تنها نواختن بوجود آمده است زیرا ارکستر فقط در سالهای اخیر ایجاد شده است.
 برای دیدن تمام سازها باید بنقاط مختلف هند سفر کرد ولی کلکسیونهای موزه‌های
 بمبئی و مخصوصاً کلکته راهنمای خوبیست. تنوع بیشتر در آلات سیمی، و ضربیست
 هرچند سازهای بادی نیز در هند دیده میشود ولی آلات سیمی ضربی بر سازهای
 کشور های دیگر جهان برتری دارد. در حدود ۵۵ سال قبل Captain Day
 رساله مفیدی در سازهای جنوب هند و دکن نوشته است که ارزش بسیار دارد که اینک
 خلاصه‌ای از آن نقل میشود: بسیاری از سازهای قدیم هنوز مورد استعمال دارد. از
 هزار سال قبل یعنی از زمان حمله عرب بعضی از سازهای ایران و عرب در هند معمول
 شده که اکنون هم متداولست. نخلت محافظه‌کاری مردم هند بخوبی در موسیقی و
 مخصوصاً سازهای هند مشهود است. از مطالبی که در کتابهای قدیم سانسکریت نوشته
 شده بخوبی متوجه میشویم که حتی شکل این سازها از دو هزار سال باین طرف کمتر
 تغییر اساسی کرده است. از مشاهده نقوش برجسته و حجاریها و نقاشیهای معابد و آثار
 قدیم نیز این موضوع بهتر درک میشود. در حجاریهای Amravati که مربوط
 بقرن هفتم میلاد است هجده زن طبل میزنند، یکی بوق مینوازد که سازی شبیه سرنا
 است و دوساز بنظر میرسد که شباهت نزدیک بقانون ایران و چنگ آسوری دارد.
 «کاپیتن دی» ضمناً چنین مینویسد: ایرانیها سازی بنام قانون دارند که شباهت
 بسیار بقانون هند دارد (شبیه Dulcimer نوعی سنتور) ورشته‌های آن از روده
 است و با دو انگشتانه که عمل مضرب را انجام میدهد نواخته میشود. قانون را میتوان
 میانجی وینای قدیم (۱) یا صدتار (۲) و سنتور دانست. در سنتور رشته‌ها از سیم و

Satatanri vina (۲) Kattyayana - vina (۱)

انگشتانه ها تبدیل بدو مضراب چوبی شده است همانکه در مغرب زمین دولسیر گفته میشود. بنا بر این اصل پیانورا باید بمردم آریائی نژاد هندوایران نسبت داد. نسبت به بسیاری از سازهای دیگر هم همینطور است مانند ویولن، فلوت، هوبوا و گیتار که همه اصلشان از مشرق زمین است. از جمله سازهای اولیه سیمی سازی بوده است بنام Pinaka که فقط یک سیم داشته که با انگشتان باهتزاز میامده است و اختراع آنرا به «شیوا» نسبت داده اند. هندیها میگویند که آرشه ویولن اختراع Ravana است که پادشاه Lanka در سیلان بوده است و طبق اساطیر هندی پنج هزار سال قبل میزیسته است. حقیقت اینست که اولین ساز آرشه ای بنام Rabanstra (۱) بوده است و در حال حاضر در سیلان سازیست بنام Vinavah که دارای دو سیم از نوع مختلف است و با کمان نواخته میشود.

H. A. Popley مینویسد: نام «ویناوه» در کتابها برده شده است. سازیست از چوب خیزران که اغلب بوسیله نوازندگان دوره گرد نواخته میشود که معاش خود را از این راه تامین میکنند. معلوم نیست که حتما همان رابانسترای قدیم باشد ولی شباهت بسیار بآن دارد. ساز دیگری ازین نمونه هم Amsrita نام دارد.

کاپتین دی مینویسد: از شکل خاص سازهایی مانند ویولا و ویولن چنین بنظر میرسد که نمونه های اصلی آن در هند هم بوده است. از جمله Rebec را که عربها با اسپانی آورده اند اصل آن از ایران بوده است که هنوز هم در ایران و هند «رباب» نامیده میشود. طبق نوشته های سانسکریت، رباب نوعی از ویناست که اکنون در شمال هند و افغانستان هم نواخته میشود بنابراین اصل ویولن هم از هندوایران یعنی مردم آریائی نژاد مشرق زمین است. تصور نیرو در میان سازهای ضربی با صداداری ثابت، اصل هارمونیکا از هند باشد ولی شاید در دوره اخیر با نچا رفته است ولی Galatarangini که مرکب از مجموعه کاسه های چینی صدادار است سابقه بسیار قدیم در هند دارد. (۲)

گرچه سازهای بادی قدیمتر از سازهای سیمی است ولی در هند در درجه دوم اهمیت قرار دارد. شاید علتش اینست که برهین ها طبق رسوم مذهبی از نواختن آنها خودداری میکنند مگر نوعی نی که با فشار هوا از سوراخ بینی نواخته میشود و یکی دو نوع دیگر که شبیه بوق است. گویند بوق صدفی که اکنون هم در تشریفات

(۱) یا Ravanstram یا Rabanastrana

(۴) در رادیوی بمبئی و کلکته این ساز را دیدم. کاسه های کوچک و بزرگ چینی است که آنرا با اندازه های مختلف آب میکنند و با آن نغماتی مینوازند. نامش جالاترننگ است. در سانسکریت جالا معنی آب و ترنگ معنی موج است. صدای آن مخصوصاً وقتی آرزو یا نغمات متوالی را بی دربی درجائی که در کستر سکوت داشت مینواخت بسیار مطلوب بود. عمل نواختن هم بوسیله دو مضراب چوبی انجام میگردد.

مذهبی بکار میرود اولین بار توسط کریشنا نواخته شده است. نوعی از شیپور (Horn) شبیه شاخ نیز سابقه مذهبی دارد. نی (Murali) نیز هنوز مقدس است زیرا کریشنا همیشه آنرا باخود داشته است و بهمان اندازه که در یونان قدیم احترام برای چنگک (Lyr) قائلند در هند هم باین نوع نی اهمیت میدهند. در حجاریهای قدیم نیز کریشنا در حال نواختن نی مشاهده میشود. سازهای زبانه دار هر چند بسیار قدیمی بنظر میرسد ولی بعد از نی پیدا شده و مخصوص طبقات پائین فرقه های هند و مسلمان است. زیرا نوع این سازها پر صد است و با سازهای سیمی که آهنگی لطیف و مطلوب دارند جور نمیآید بنا برین عادت برین جاری شده که در هوای آزاد نواخته شود. ساز دوزبانه ای نیز از قدیم در هند بوده همانطور که در ایران و مصر و عربستان هم سابقه دارد.

در مورد ساختن سازها طبق نوشته کاپتین دی ازم صالحی استفاده میشود که سهولت در دسترس است مانند خیزران و نی و کدوهای بزرگ و کوزه های گلی و در ساختن سازها دقت لازم از لحاظ لطف صدا و قواعد صوتی نمیشود ولی در زینت دادن شکل خارجی ساز اهتمام بعمل میآید ولی در کتاب Popley که پنجاه سال بعد نوشته شده عقیده نویسنده اول رد شده است زیرا درین مدت موضوع ساختن ساز ترقی کرده و کسانی درین فن مهارت یافته اند. مرکز این فن کلکته است.

نگارنده درین موضوع هر دو نظر را تأیید میکند زیرا چنانکه در حین مسافرت دیدم خیابان نیست در کلکته که مفازهای بسیار سازندگان آلات موسیقی دارد و در تهیه ساز و دقت در صدای آن بتدریج تخصص پیدا شده است ولی هر چند شکل ظاهری سازها بسیار زیباست کمی صدای آن نقص بشمار میآید. اولین روزی که سازهای مختلف را در استودیوی رادیوی دهلی دیدم تصور کردم ازین سازهای بزرگ چه صداهائی بیرون میآید ولی وقتی نواختند تعجب کردم که ساز باین بزرگی چرا صدایش آنقدر ضعیف است پس باید گفت یا طبیعت آنها صداهای لطیف و ظریف را می پسندد یا در ساختمان ساز نقص است زیرا با وجود صداهای باین کمی لزومی ندارد که سازها آنقدر بزرگ باشد که نوازنده را نادراحت کند.

موضوع دیگر قابل توجه اینست که علاقه فوق العاده ای در مردم بنواختن سازهای ملی احساس کردم. زیرا در بسیاری از آموزشگاههای موسیقی، کودکان و جوانان را از دختر و پسر دیدم که با علاقمندی بسیار بفرآ گرفتن موسیقی ملی و مخصوصاً سازهای محلی مشغول بودند. در چهار آموزشگاه موسیقی دهلی فقط در یکی از آنها چندتن ویولن میزدند، آنهم نه موسیقی اروپائی و معلم آن آموزشگاه (۱) نغمات ملی را بسیار خوب و با تکنیک صحیح روی ویولن می نواخت زیرا سابقه نواختن متد های اروپائی داشت و تمام حالات موسیقی هند را بخوبی با ویولن اجرا میکرد ولی ویولن زنه های رادیو کمتر تکنیک صحیح داشتند و حتی در دست گرفتن ویولن اهتمامی بصحت آن نداشتند ولی توجه اساسی آنها این بود که موسیقی خود را با تمام حالات

(۱) نام این آموزشگاه Sangeet Bharati و نام هنرآموز ویولن

S. N. Gulati بود که در رادیو هم نوازندگی میکرد.

و خواص خود کاملاً صحیح و خوب اجرا نمایند و الحق از عهده این کار نیز بخوبی بر میامدند گرچه بعوض اینکه ویولن را زیر چانه بگذارند با کمال بی اعتنائی آن را روی سینه یا حتی شکم میگذارند و وسط آرشه را می‌گرفتند ولی صدائی که از آن بیرون می‌آوردند کاملاً مطلوب و صحیح و طبق قواعد و اصول موسیقی هندی بود.

در ارکستر رادیو علاوه بر ویولن، کنترباس و قره‌نی هم دیدم و باقی سازها ملی بود و مجموعهٔ اصواتی که ازین ارکستر بیرون می‌آمد بسیار مطلوب و خوش-آهنگ بود. این ارکستر در دهلی دور رهبر داشت: یکی راوی شنکر (۱) که در نواختن سه‌تار مهارت بسیار داشت و متخصص در موسیقی شمال هند بود ولی شخصاً در ارکستر ساز نیز در بلکه نوازندگان را رهبری می‌کرد. دیگر جارا مایوم (۲) که اطلاعات ذی‌قیمتی در موسیقی جنوب هند داشت. اکنون بشریح کامل سازهای مهم می‌پردازد:

سازهای سیمی - چنانکه گفته شد از سازهای دیگر بیشتر تنوع دارد و اینست مهمترین آنها:



وینا - دو قسم است شمالی و جنوبی. اکنون بشرح و بنای جنوب هند می‌پردازد:

این ساز دارای کاسهٔ بزرگ است از چوب که سطح صاف آن دارای قطری بطول یک فوت است (۳۰/۱۴۸ سانتیمتر) در روی کاسه، پلی قرار دارد (خرک) که سیمها از روی آن عبور کرده از یک طرف با تنهای کاسه و از طرف دیگر بگردن ساز بگوشیها متصل میشود. دسته ساز هم از چوب است ولی برده‌ها که قوسی هستند از برنج یا نقره ساخته میشوند. علاوه بر اینها در قسمت بالای دسته، یک کاسهٔ دیگری قرار دارد که از کدوست و برطین ساز می‌افزاید. در روی دسته ساز ۲۴ برده نصب شده بطوری که هر سیم دارای دو هنگام است. در مورد لزوم میتوان برده‌ها را بالا و پائین برد. ساز دارای چهار سیم اصلی است که گوشیهای آنها در گردن ساز واقع



Pandit Jaramayum (۲) Ravi Shankar (۱)

شده. اضافه برین سه سیم فرعی دارد که برای کمک بطنین صداست و گوشیهای آنها پیدنه ساز نصب شده است. دوسیم اول ساز از فولاد و دوسیم بعدی از برنج یا نقره و سیمهای سه گانه فرعی نیز فولاد است. کوکهای مختلف بکار میبرند که از همه مهمتر چنین است:

سیمهای اصلی	سیمهای فرعی
(۱) دو - دو - سل - دو	<u>سل</u> - دو - سل
(۲) <u>سل</u> - <u>سل</u> - <u>سل</u> - دو - سل	دو - <u>سل</u> - دو
(۳) دو - سل - دو - فا	<u>سل</u> - دو - دو

(اگر زیر نت خط دارد هنگام بم است - اگر بالای آن خط دارد هنگام زیر است بهمان ترتیب که در هند هم معمولست)

معمولا در روی دوسیم اول، انگشت گذاری میکنند ولی نوازندههای ماهر از سیمهای دیگر هم استفاده میکنند. امروزه پردههای وینا طوری بسته میشود که فاصله کوچکتر از نیم پرده ندارد. برای نواختن یا ساز را روی زانو قرار میدهند یا سر آنرا بشانه میگذارند، از سه انگشت اول استفاده میشود و انگشت چهارم فقط برای بصداد آوردن سیمهای فرعی است. البته روی سیمهای فرعی هرگز انگشت گذاری نمیشود.

وینای شمال هند دارای دو کاسه کدو برای طنین صداست که در روی زمین قرار میگیرد و عمل نواختن بوسیله گومی از شیشه است با اندازه تخم مرغ که با حرکت دادن آن از بالا بیابین سداهای مختلف ایجاد میشود و دارای پرده هم نمیباشد.



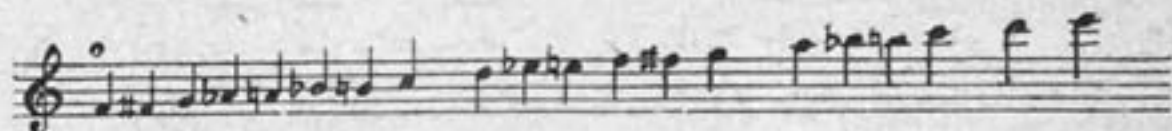
سه تار - این ساز در شمال هند رواج بسیار دارد. اصول ساختمان آن مانند ویناست ولی تغییراتی دارد باین ترتیب که از وینا کوچکتر است. کاسه طنین ندارد. طول ساز در حدود ۷۰ سانتیمتر است (بدون کاسه). وینای دسته ساز در حدود ۷/۵ سانتیمتر است. کاسه آن چوبی و عرضش در حدود ۳۰/۵ سانتیمتر است. خرکی که در روی کاسه واقع شده ساده است و مثل وینا دو تکه نیست. ساز دارای هفت سیم اصلی و از ۹ تا ۱۱ سیم فرعی است. پردهها قوسی و آهنی و قابل حرکت میباشد و شماره آن نوزده است. طرز نواختن بوسیله مضراب سیمی است که مانند انگشتانه بانگشت سیاه میکنند. بیشتر روی سیم اول انگشت گذاری میشود و باقی سیمها بطور دست باز بکار میرود.

سیمهای سه تار از راست بچپ اینطور کوک میشود :



۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

برده‌های سه تار طوری بسته میشود که در روی سیم اول این صداها ایجاد میشود :



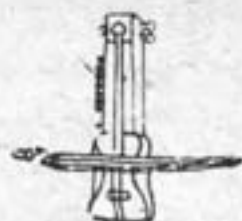
چنانکه ملاحظه میشود گام آن کرما تیک است ولی در چهارجا فاصله میان نت‌ها برده است (بین دو - ر | سل - لا | دو - ر | ر - می) که درین نقاط نت‌ها را از هم دور نوشته‌ام . علت اینست که در یک راگا احتیاج به دو - دودیز یا سل - سل دیز نیست و اگر در یکی از راگاها، دودیز یا ر بمل لازم باشد یکی از دو برده تغییر مکان میدهد که نواختن آن راگا میسر باشد .

در سه تار و وینا اجرای نت‌های زینت و فواصل کوچکتر از نیم برده چنانکه قبلا اشاره شد بوسیله حرکت عرضی انگشت دست چپ عملی میشود بهمین جهت است که برده‌ها را کمتر بسته اند که نوازنده دوچار اشتباه نشود زیرا بالفرض انگشتان از چپ بر است میتوان صداهای مختلف بطرز Glissando که در نغمات موسیقی هند فراوانست بخوبی ایجاد کرد .

در نواختن وینا و سه تار اختلاف دیگریست باین ترتیب که در وینا انگشتهای دست چپ قبل از برده قرار میگیرد (همانطور که در تار و سه تار ما معمولست) ولی در سه تار هندی درست روی برده واقع میشود .

تصور میکنم در میان سازهای هند نواختن سه تار آسانتر است ولی چون سیمها کلفت و برده‌ها آهنی است تشرین زیاد میخواهد زیرا در آغاز امر نوك انگشتان ناراحت میشود و این ناپاختی تا وقتی که انگشتان پینه بینند و نوازنده عادت کند مدتی بطول میانجامد .

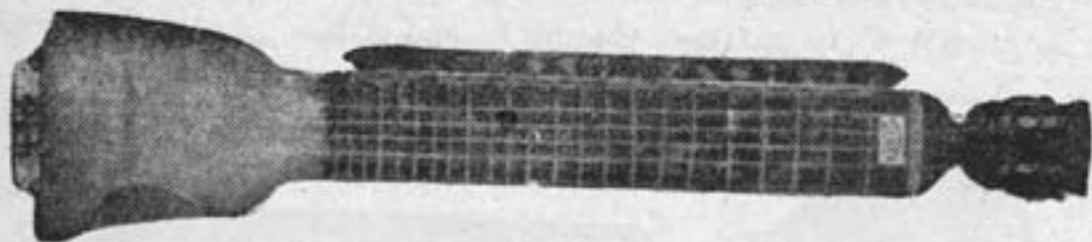
از لحاظ ما باید گفت حتی نواختن راحت ترین و آسان ترین ساز هند هم اشکالات فراوان دارد که نوازنده عاشق بر حوصله ای میبخشد و اهد ولی صدای ساز و مخصوصاً طنین آن بخصوص برای موسیقی هند بسیار مطلوب و دارای حالاتی مخصوص است



دلربا - ساز است شبیه سه تار ولی از آن کوچکتر . روی کاسه آن پوست

کشیده اند و ازین جهت بی شباهت به سارنگی نیست زیرا بغوض مضراب با کمان نواخته میشود . مانند سه تار دارای پرده است و پرده های آن هم قابل حرکت است . دارای چهارسیم اصلی و ۲۲ سیم فرعی است که در زیر سیمهای اصلی قرار دارد و برای کمک به طنین صداست . طول ساز در حدود ۹۰ و عرض کاسه ۱۵ و طول آرشه ۵۳ سانتیمتر است . سیمها از راست بچپ اینطور کوك میشود :

فا - دو - سل - دو



دوسیم اول از برنج و سیمهای سوم و چهارم فولاد است .

سوربهار - سازی دیگر از نوع سه تار ولی از آن کوچکتر است . پرده های آن قابل حرکت نیست . طرز نواختن بوسیله دو مضراب است که با نكشت اول و چهارم میکنند و انكشت دوم و سوم هم خود ، کار مضراب را انجام میدهد . این ساز در ناحیه بنکال بیشتر دیده میشود .

سارنگی - شبیه گیتار کوچک است و آنرا میتوان کمانچه هندی گفت . کاسه آن دارای پوست است . طول ساز در حدود ۷۰ سانتیمتر است . سارنگی سه یا چهار سیم اصلی دارد . سه سیم اول از روده و چهارمی برنجی است . این ساز با آرشه نواخته میشود . کوك ساز ازین قرار است :

سیم اول فا یامی - سیم ۲ و ۳ و ۴ = دو - سل - دو

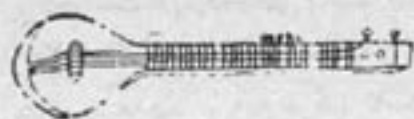
در رادیوی دهلی سارنگی فقط سه سیم روده ای داشت : دو - سل - دو - و سیم

اول را فاقد بود .

نواختن سارنگی برعکس تمام سازهاست زیرا بغوض اینکه انگشتهای دست چپ را روی سیمها بگذارند زیر سیمها قرار میدهند زیرا فاصله میان سیمها و دسته ساز زیاد است باندازه ای که انگشتان زیر سیمها برود . در واقع گوشت زیر ناخن ، زیر سیم قرار میگیرد که بسیار کار دشوار است و عادت میخواهد . صدای سارنگی خیلی نرم و لطیف است و کمی شباهت به ویولن آلتو دارد . چون پرده ندارد نواختن نت های زینت و اجرای لغزش ها بخوبی انجام میگیرد و بهمین جهت همواره برای همراهی آواز خوان و جواب آواز بکار میرود و کمتر بتنهائی نواخته میشود . دارای سیم - های فرعی زیاد از ۱۵ تا ۲۲ است که کمک به طنین صدا میکند .

سرود - سازیست از نوع سارنگی با پوست و بدون پرده ولی با مضراب

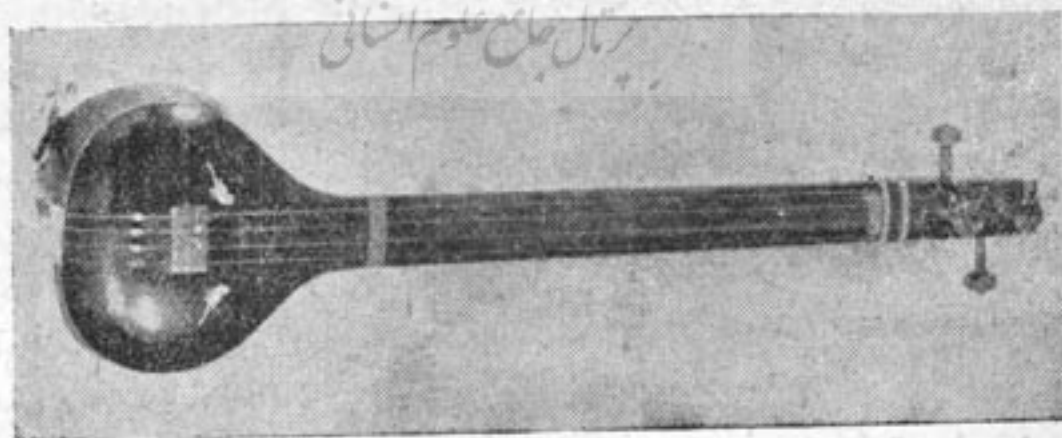
نواخته میشود. صدای آن چیزی میان ماندولین و تار است.



ازراج - Ezraj - يك نوع سارنگی است که در ناحیه بنگال نواخته میشود. سازيست از نوع سارنگی با پوست که با آرشه نواخته میشود و لسی دارای برده‌های آهنی است. سیمهای آن هم از فلز است. چهارسیم دارد که از راست بچپ چنین است: فا - سل - دو - دو. این ساز نیز بیشتر در ناحیه بنگال معمول است.



انواع دیگری از سارنگی بنام Sarinda و Chikara در هند متداول است. **قنبور** - متداولترین ساز سیمی هند است و همه جا دیده میشود. کاسه آن از چوب است ولی از کدو هم ساخته میشود. این کاسه بسیار بزرگ است بطوری که پهناي آن در حدود ده اینچ است (۲۵ سانتیمتر). خرك آن که در وسط کاسه قرار دارد از چوب یا استخوان فیل است. چهارسیم دارد که سه تاي اول فولادی و چهارمی از برنج است، رشته‌های کوچکی از ابریشم بین خرك و سیمها قرار دارد که بطنین آن کمک کند. در زیر خرك مهره‌هایی واقع شده که کار «رگولاتور» و بولن را میکند و بآن وسیله میتوان ساز را بدقت کسوک کرد. هرگز روی سیمها انگشت نمیکند از آن و همواره بطور دست باز نواخته میشود. طرز نواختن اینست که سر ساز را بشانه میگذارند و با انگشتان دست چپ سیمها را میکشند. دست راست فقط بساز



تکیه میکنند که نیفتند. طنین سیمها زیاد است چون دسته ساز خیلی بلند است و صدای «وزوز» آن همیشه در گوش است. موسیقی هند بدون تنبور شنیده نمیشود. همواره برای همراهی آواز بکار میرود و اغلب خوانندگان آنرا بدست دارند. سیمها را بارتعاش میاورند و میخوانند. درازکتر نیز کار یک نفر نواختن آنست. از درهم شدن صدای سیمها که بفاصله پنجم و چهارم و هنگام است هم آهنگی مطبوعی ایجاد میشود که راهنمای خواننده در نگاهداشتن مقام است. کوك ساز ازین قرار است: دو - دو - دو - سل. گاه سیم آخر را «فا» کوك میکنند.

اک تار - Ektar - ساز است بسیار قدیمی فقط دارای یک سیم (اک بمعنی یک است). این ساز برده ندارد و همان یک سیم هم بطور دست باز بکار میرود. در واقع تنبور اولیه است. طول آن از سه تا چهار فوت است. کاسه ساز از کدو یا چوب است که روی آنرا پوست کشیده اند. بیشتر در دست نوازندگان دوره کرد



دیده میشود که به همراهی آن آواز میخوانند.

رباب - ساز است که اصل آن از ایران است. کاسه پهن کم عمقی دارد که سطح آنرا با پوست پوشانیده اند. برده ندارد و دارای چهار سیم است که دوتای آن از روده و دوتای دیگر فلزیست. عده ای هم سیمهای قرعی دارد. در کتاب موسیقی هند (۱) تألیف H. A. Popley مینویسد که این ساز با کماتی از موی اسب نواخته میشود ولی من در سرینا گاد (۲) مرکز کشمیر دیدم که آنرا با مضراب استخوانی مینواختند و نوازنده هم عضو رادیو بود که کاملاً مهارت داشت. این ساز در قسمت های شمالی هند مخصوصاً پنجاب و کشمیر رواج دارد و از قراری که شنیده ام در افغانستان نیز بسیار رایج است. گویند «تان سن» در نواختن آن ماهر بوده است. صدای مطلوبی دارد و چون دارای برده نیست برای اجرای نغمات برزینت و باحالت بسیار مناسب است.

ساز دیگریست بنام Sur - Sringara از نوع رباب که اولین بار توسط سید کلب علیخان بهادر نواب رامپور ساخته شده. کمی از رباب بلندتر است و روی دسته ساز از فلز است که انگشتها بهتر بتواند در روی سیمها بلغزد.

ستتور - در کشمیر معمول است. ساختمان آن شبیه ستتور ایرانست ولی

کمی از آن بزرگتر . دارای ۱۲ خرك است ولی فقط در قسمت میان خرکها نواخته میشود و از طرفین استفاده نمیکنند . در رادیوی سرینا کار یک نوازنده آنرا مینواخت ولی مضراب ریز نداشت و از لحاظ تکنیک بسیار ناقص بود . بخوبی معلوم است که از ایران با آنجا رفته و توجهی بآن نشده زیرا نوازنده قابل ندارند

(دنباله دارد)

« انسان در اعماق هوش و ذهن خود حس نهانی خاصی دارد که حس زیبایی شناسی « استتیک » است ، و وسیله همانست که هنر را درمی یابد . موسیقی یکی از عواملی است که این حس را بیدار می کند و برمی انگیزد . »

« سن سانس »

« گفته اند که هر هنرمندی آفریننده است . ولی بی تردید ، موسیقی دان از هنرمندان دیگر بیشتر می آفریند و کمتر تقلید میکند . آنچه که موسیقی دان می آفریند در طبیعت معادلی ندارد و بیشتر از دیگر هنرها از زندگی معنوی و همه نوع هیجانات سرشار است »

« امیل دامه »